

ایا ای هموطن تحمل سی سال بدبختی کافی نیست که از خواب مرگ رهایی پیدا کنی و بیدار شوی؟

ایا به یاد داری که در گذشته‌های نه چندان دور مملکت ما چه سر بلند بود و ایرانی در دنیا چه احترام و مقامی داشت . ولی حالا ، جز این نیست که ایرانی باید هویت خود را پنهان کند که لقب تروریست به او داده نشود. آیا غیر از این هست ؟ آیا ما اعدام‌های دسته جمعی ، چشم در آوردن و دست پا قطع کردن یا سنگسار داشتیم ، و با بی تفاوتی می‌ایستادیم و بدون هیچ احساسی نظاره گر این عمل وحشیانه بودیم ؟ آیا ما کودکان خرد سال خود را به حراج و فروش به همسایگان پاکستانی و عرب خود می‌گذشتیم ؟ آیا زنان ما مجبور به خود فروشی بودند ؟ آیا هرگز دیده بودید که جوانان دلبند ما و شهر وندان ما را در خیابانها با چوب و چماق کتک بزنند و آفتابه به گردنشان آویزان کنند ؟ از این شرم آور تر هم چیزی هست. آیا دیده بودید که جوان ما معتاد به مواد مخدر باشند و اجساد آنها را در زیر پلها و در کنار خیا بناها پیدا کنند یا این همه افسردگی و خودکشی در بین آنها باشد ؟ آیا ما کارتن خواب داشتیم که اجساد یخ زده آنها را در گوشه و کنار مکانهای مختلف پیدا کنیم ؟ آیا اینهمه کارگران کشاورزان معلمان پرستاران کارمندان و پزشکان بیکار داشتیم . ولی امروز متأسفانه آن عده ای هم که بر سر کار هستند حقوق آنها چندین ماه پرداخت نشده . آیا ما این همه دانشجو و افراد سیاسی در زندانها داشتیم که عده ای از آنها مفقود شده باشند ؟ آیا ما اعدام‌های دستجمعی و گورستانهای چون خاواران داشتیم ؟ آیا ما تا این حد دزدی راهزنی قتل و غارت کلاه برداری و رشوه خواری داشتیم ؟ آیا برای کم بود تامین امر معاش نان آور خانواده مجبور به آتش کشیدن و کشتن زن و بچه دلبند خود بود ؟ آیا ما کوشش به تخریب آثار باستانی میکردیم و از سهم دریای خزر و اسم خلیج فارس می‌گذشتیم ؟ آیا ما هرگز به این توجه داشتیم که فامیل و همسایه یا آشنای ما به چه مذهبی باور دارد ؟ آیا این هموطنانی که امروز به جرم مذهب کیش و ایین خویش زندانی و اعدام میشوند ایرانی نیستند . آیا این بانوان این شیر زنان ایرانی که بیش از هر شهروندی دچار گرفتاری و اهانت قرار نمی‌گیرند و در مملکت خود زیر یوغ مرد سالاری مقاومت نمیکنند ، این وضعیت در کشورهای جهان سوم و سیاه‌سایه‌ی آمیخته با دین به مراتب بدتر است، که هم از طریق قوانین زن ستیزی فرهنگی و سنت‌های متعدد حاکم بر جامعه و خصوصا استفاده از دین به نوعی ابزار برای اعمال سیاستهایشان علیه زنان و فشار بر زنان صد چندان است که متأسفانه ایران از جمله از آن کشور هاست که این شرایط در آن موجود است .

با قلبی اکنده از درد هموطنانم در داخل و خارج از میهنم با قلمی نه انچنان گویا می‌خواهم فریاد زخم ما دیگر زمانی نداریم برای در خواب مرگ بودن، از نسل ما که گذشت لا اقل فکر نسل آینده باید بود، آیا تلاش برای آینده گان هم باید ندیده گرفته شود ؟ یعنی نظاره گر آن باشیم که تمام خصوصیات اخلاقی ایرانی بودنمان را فراموش کنیم و اجازه بدهیم همه چیزمان را بگیرند و تاراج کنند . حال که گوشه ای از این فاجعه غم انگیز را مرور کردیم باز هم وقت آن نرسیده که بیدار شویم و چاره ای بیاندیشیم برای فرصت کوتاهی که باقی مانده خود را از این منجلاب فنا و نابودی نجات بدهیم تا خارجی صاحب تمام ایران نشود. ؟ برای نجات وطن چه باید کرد ؟ این بسیار ساده و عملی است ، اگر با کمی گذشت و مهربانی، دست به دست هم بدهیم با این حضور ذهن که ما ایرانی هستیم فرا قومی، فرا حزبی ، فرا مسلکی، قصدمان فقط براندازی این حکومت اشغال گر غیر انسانی است و آن را از بیخ و بن نابود کنیم حتما موفق خواهیم شد و به آن مقام والا و فر و شکوه سابق خواهیم رسید .

پاینده ایران یکپارچه ایران هرگز نخواهد مرد

ایران بانو